



■ میثم قاسمی
Ghasemi@ictnews.ir

آزموده را آزمودن ...

آن هنگام که شرکت تعاونی اسلامی مجتمع صنعتی رفسنجان توانست امتیاز تاسیس یک شبکه سراسری تلفن همراه را دریافت کند، نه از سیم‌کارت‌های اعتباری همراه اول خبری بود و نه ایرانی‌سلی وجود داشت.

در آن روزها شاید کم‌تر کسی گمان می‌کرد مدیران کنونی شرکت مخابرات ایران، به ساختمان بی‌سیم وارد شوند، اما شدند. سیاست‌گذاری‌ها عوض شد و دولت تصمیم گرفت به جای آن‌که منتظر رشد بخش خصوصی باشد، خود دست به کار شود و تا می‌تواند سیم‌کارت به مردم بفرد. جدا از این سیاست‌گذاری‌های فنی و اقتصادی، نمی‌توان اختلافات سیاسی مدیران دولت نهم با مدیران تالیا را نیز نادیده گرفت. گرچه کسی از شخص محمدحسین بهرام‌پور سابقه سیاسی در اختیار ندارد، اما وابستگی نسبی و سببی او به برخی سیاسیون، دردسرهای فراوانی در این سال‌ها برای او و مجتمع صنعتی رفسنجان و تالیا ایجاد کرده است.

مرکز ثبت دامنه‌های ایران به آیکان رایه کرد

درخواست برای ثبت دامنه .ایران

می‌توانند یا هر زبانی مانند فارسی، عربی، کره‌ای، ژاپنی، یونانی و ... باشند.

آیکان اعلام کرده است این شرکت پذیرش تقاضانامه‌های ثبت دامنه‌های غیر لاتین را به زودی آغاز خواهد کرد و اولین تغییرات در اواسط سال ۲۰۱۰ (تابستان ۱۳۸۹) پدیدار خواهند شد.

بیش از نیمی از ۱/۶ میلیارد کاربر اینترنتی در

خواهد بود.

اما مشکل این طرح برای بسیاری از درخواست کنندگان احتمالا این خواهد بود که ثبت هر دامنه غیر لاتین، ۱۸۵ هزار دلار نیاز دارد. این مبلغ پیش از این باعث شده بود کل موضوع برای مدتی مسکوت بماند.

پیش از این پیش‌بینی شده بود ۵۰۰ درخواست برای ثبت دامنه‌های غیر لاتین رایه شود که پول زیادی در آیکان جمع می‌شود و از آن‌جا که آیکان یک موسسه غیر انتفاعی است، پرسش این بود که با این پول چه خواهد کرد؟ اما مسوولان آیکان توانستند ثابت کنند این مبلغ برای بررسی هر پیشنهاد لازم است و پولی در این موسسه جمع نمی‌شود.

اما همچنان بسیاری از کشورهای کوچک و کمتر توسعه یافته نسبت به این مبلغ متعزز هستند. آن‌ها معتقدند توان پرداخت چنین پولی را ندارند و همچنین تعداد کاربران در کشورهایشان به اندازه‌ای نیست که درآمد حاصل از فروش این دامنه، هزینه‌های درخواستی آیکان را جبران کند. در مقابل، آیکان معتقد است اگرچه برخی از این کشورها یا زبان‌های کوچک، تعداد کمی مصرف کننده دارند، اما پشت سر درخواست آن شرکت‌های بزرگ مانند Afiliias یا Verisign قراردارند که این شرکت‌ها قادرند ۱۸۵ هزار دلار را بپردازند.

از سوی دیگر پیش‌بینی شده است برخی از متقاضیان خصوصی در کشورهایی که تحت

در میانه همه این اتفاقات ناخوشایند، سرمایه‌گذار تالیا نیز از ادامه کار انصراف داد تا شرایط، آن چیزی شود که امروز شده است.

با این همه نباید از نظر دور داشت که تالیا دو سال فرصت طلایی را در ابتدای کار از دست داد.

اگر بخواهیم مشکلات تالیا را نه به‌عنوان تنها نمونه بلکه به عنوان یک بررسی موردی (case study) مورد توجه قرار دهیم، می‌توان گفت وقتی کسی نتواند کاری که برعهده‌اش گذاشته شده را در موعد مقرر و به شکلی قابل قبول- و نه لزوماً عالی- انجام دهد، قطعاً باید انتظار مشکلات بعدی را نیز داشته باشد. شاید اگر تالیا در همان ماه‌های ابتدایی دریافت مجوز شروع به کار می‌کرد و مانند ایرانسل، شبکه‌اش را در حین کار، اصلاح و ترمیم می‌کرد و توسعه می‌داد، امروز در چنین وضعیتی نبود. این سخن شاید در بسیاری از نقاط دنیا قابل قبول نباشد و کارشناسان متعقد باشند

کافه سردبیر

کسانی‌که هفته پیش به این جا سری زدنند حتما به یاد این مثل افتاده‌اند که سلمانی‌ها که بیکار می‌شوند سرخودشان را می‌زنند. من هم که ابایی ندارم و قبلاً هم گفته بودم این دکان از سر بیکاری و بی‌پولی کرکراه‌اش را دادیم بالا، هفته دیگر هم کسی را دعوت کردیم که گرچه نه قهوه چی است و نه روزنامه‌نگار اما آدم مظلوم تند و تیزی است؛ سهیل مظلوم. و اما منوی این هفته:

پشمبلا خانگی

چرا پشمبلا چون یک بار فقط یک بار به دعوت دوستی برای صرف شام رفته رستوران موفتار، داخل منو انواع اسم‌های آشنا و ناآشنا بود از جمله پشمبلا من هم که آدم بخوری هستم! بی توجه به نوع غذا، پیش غذا را سفارش دادم. گارسون همه سفارش را نوشت و با تعجب پرسید: «غذا میل نمی‌کنید؟» ظاهراً پشمبلا شام و نهار نمی‌شد بلکه یک پس‌غذا یا پیش‌غذاست که می‌خوری یا اشتها بازش بشه یا غذات هضم.

قبل ترها وقتی که راسته خیابان انقلاب مابین پل جدید تا نرسیده به میدان را با ماشین نه پای پیاده، گز می‌کردم همچنین که توی راه‌اندان این راسته گرفتار می‌شدم افسوس و صد آه نهادم برمی‌آمد که واقعا ما چه مرمانی هستیم این چه میزبانی‌ست که داریم و به خودم می‌گفتم اگر این مدیران ما به فناوری اطلاعات و ارتباطات واقعی می‌نهادند این مردم در بهشت تهران زندگی می‌کردند. چگونگی‌اش هم بر کسی پوشیده نبوده و نیست آنقدر این موضوع یعنی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در کاهش همه چیز خصوصا راه‌اندان، تصادف، مرگ و میر اظهر من الشمس است که حتی طراحان پیش‌نویس برنامه پنجم توسعه بر این موضوع واقف بوده‌اند که در بنای از این برنامه پیشنهاد داده‌اند: «دولت مجاز است ... از طریق تحقق اهداف دولت الکترونیکی، امکان اجرای وظایف پست‌های

نیاید مشترک را به دردرس انداخت، اما در ایران و با مدیریت‌هایی که هر روز عوض می‌شوند، می‌تواند حرف قابل قبولی باشد.

نادیده گرفتن اپرتوری که چندین میلیون مشترک دارد- حتی اگر ایراداتی نیز داشته باشد- چندان امکان‌پذیر نیست، اما اپراتوری که در چند سال ابتدایی کار خود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار مشترکش را نیز از دست داده است، نباید انتظار داشته باشد مورد لطف قرار گیرد.

اگر به سبک داستان‌های پندآموز، بخواهیم نکته‌ای از سرنوشت تلخ تالیا بیاموزیم؛ همان مثل قدیمی راه بینداز و جا بینداز است. نکته‌ای که گویا اپراتورهای وایمکس هنوز دریافته‌اند و تاکید دارند تا زمانی‌که سطح کیفی خدماتشان به نقطه قابل قبولی نرسد، سرویس ارایه نمی‌کنند. همگان امیدوارند سرنوشت وایمکسی‌ها مانند تالیا و PAP‌ها نشود. تغییرات در راه‌اند.

EDITORIAL CAFE

سازمانی و امور محوله به کارمندان در غیر محل اداری را فراهم و نسبت به تدوین و اجرای «طرح کار در خانه» اقدام نماید. معنی این پیشنهاد چیه؟ الان بنده به شرف حضورتان می‌رسانم؛ این پیشنهاد بدین معنی است که دیگر نیازی نیست بارو بندهیل‌تان را جمع کنید و با هزار مصیبت از راه‌اندان گذر کنید تا به سرکار برسید یا نه، بلکه انشالله... طی چند وقت دیگر شما در منزل این باتیان را روی آن پایتان می‌اندازید و کار می‌کنید و پول در می‌آورید. می‌بینید! واقعا چه می‌خواهید اصلا این بند از برنامه یعنی غایت زندگی.

به هر صورت وقتی بحث بود که اوضاع مسیر حرکت آنقدر خراب شده بود که عطای گذر از این راسته را به رسیدن به خانه بخشیدم و نرسیده به پل سر ماشین را کج و از مسیر دیگری طی طریق می‌کردم و در دل دعا که انشالله... به زودی آن بند پیشنهادی در برنامه پنجم توسعه مصوب شود و مردمان در منزل باشند و کار کنند.

هرچند که منه قهوه‌چی به هر حال مجبورم بیایم اینجا چون قهوه را که نمی‌شود در خانه سرو کرد اما خیابان‌ها همان می‌شود که در بالاگفت؛ بهشت. این رویاها همیشه با من بود تا این‌که اخیراً بعد از این‌که از زیر پل تازه تاسیس پیچ شمیران که رد شدم دیدم ماشین‌ها تخته‌گاز دارند به سمت همان میدان می‌روند، حیرت کردم به گمانم رسید مصوبه برای برخی اجرا شده و خواص در منزل نشستند و دارند کار می‌کنند. من هم شتاب کردم نرسیده به میدان همان جایی که ایستگاه اتوبوس‌های سریع‌السیر شهرداری است کشف عجیبی کردم و فهمیدم پل عابر پیاده هم می‌تواند مثل آن بند پیشنهادی عمل کند چراکه مسافران بی آر‌تی به جایی این‌که از عرض خیابان عبور کنند تمذندانه از پله‌ها بالا می‌روند و ماشین‌ها هم آمرانه از خیابان بدون راه‌اندان عبور. اینجا بود که من به این نتیجه رسیدم پشمبلا خیلی خوبه چون هم گرانه هم باکلاس اما غذا برای سیر شدن مه‌تره.